

پژوهش‌های معمارانسلک ۲۱

شماره شایا: X - ۸۷ - ۳۳۷

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال ششم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۷

۱۴ بررسی نقش زیبایی‌شناسی معماری در خانه‌های ایرانی، نمونه موردی: خانه‌های تاریخی شهر مشهد

سازادقی / احمد اخلاصی / حامد کامل‌نیا

۱۵ ترسیم طرحواره‌های جامع‌نگر از فرآیند طراحی معماری با تطبیق روش‌شناسی تأویلی شناخت طراحی، بر سازواره‌ی کلی معرفت در نظام حکمت متعالیه

علی روان / سعید علی‌تاجر

۱۶ پژوهشی در «کاخ جنوبی» و «کاخ میانی» در مجموعه‌ی معماری تشریفاتی لشکری‌بازار: بر اساس قراین تاریخی، منابع ادبی و یافته‌های معماری

سید رسول موسوی حاجی / اسدالله جودکی عزیز / سحر عبدالهی

۱۷ معیار ارزش برای تربیت هندسی معمار: بررسی رویکردهای رایج و نگرش اسلامی

مهدی ممتحن / مسعود ناری قمی

۱۸ سلسله مراتب تشخیص عناصر شهر در ارسن شهری در سبک‌های شهرسازی دوران اسلامی ایران

مهدی حمزه نژاد / مصطفی صیرفیان پور

۱۹ سازوکارهای تنظیم خلوت در خانه‌های برون‌گرای گیلان (نمونه موردی: خانه‌های روستایی)

فاطمه جباران / غلامرضا طلپسجی / نیما دبماری / علی دری

۲۰ تأثیر وجوه موازی اسلام و مسیحیت بر شکل‌گیری معماری کلیسا و مسجد (با تأکید بر روند تبدیل کلیسا به مسجد در دوران عثمانی)

مریم اکبری / محمد مهدی مولایی



پژوهش‌های معماری اسلامی

شماره شایا: X - ۹۷ - ۳۳۸۷

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال ششم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۷

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سر دبیر: دکتر محسن فیضی

مدیر داخلی: دکتر فاطمه مهدیزاده سراج

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: امیرحسین یوسفی - زهرا کاشانی دوست

ویراستار انگلیسی: محمد رضا عطایی همدانی

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر حسن بلخاری: استاد دانشگاه تهران

دکتر مصطفی بهزادفر: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد رضا پور جعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر اسماعیل شیعه: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر منوچهر طیبیان: استاد دانشگاه تهران

دکتر حمید ماجدی: استاد واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

مهندس عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد تقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی یاران: استاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

طراح جلد و صفحه آرا: امیرحسین یوسفی

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

لیست داوران این شماره:

دکتر لیلا پهلوان زاده (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی)

دکتر سمانه تقدیر (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)

دکتر بهاره تقوی نژاد (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)

دکتر مهدی خاک زند (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)

دکتر محمدمنان رئیسی (استادیار دانشگاه قم)

دکتر رضا سامه (استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی)

دکتر آزاده شاهچراغی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی)

دکتر حسین صفری (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی)

دکتر مظفر عباس زاده (استادیار دانشگاه ارومیه)

دکتر محمدرضا عطایی همدانی (استادیار دانشگاه آزاد)

دکتر محمدباقر کبیر صابر (استادیار دانشگاه تهران)

دکتر شهریار ناسخیان (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)

دکتر احد نژاد ابراهیمی (استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز)

مهندس عبدالحمید نقره کار (دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران)

دکتر اصغر محمد مرادی (استاد دانشگاه علم و صنعت ایران)

دکتر صلاح الدین مولانایی (استادیار دانشگاه کردستان)

دکتر بهزاد وثیق (استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور)

دکتر معصومه یعقوبی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی)

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات

وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶ / ۳ / ۱۸ مورخ

۹۳ / ۷ / ۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه‌های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

مقالات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش‌های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.

نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / تلفن مستقیم: ۷۷۴۹۱۲۴۳ - ۰۲۱

نشانی راینامه: jria@iust.ac.ir / نشانی وب: <http://iust.ac.ir/jria>

www.SID.ir

سلسله مراتب تشخیص عناصر شهر در ارسن شهری در سبک‌های شهرسازی دوران اسلامی ایران



مه‌دی حمزه نژاد*

استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران (نویسنده مسئول)

مصطفی صیرفی‌ان پور**

مری دانشگاه شهاب دانش قم

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۱۱/۱۰

چکیده:

میزان تشخیص عناصر اصلی شهر به ویژه بناهای مذهبی، در سیمای شهرهای اسلامی از گذشته تا به امروز، تغییرات بسیاری داشته است. نما، ارتفاع و موقعیت بنا در پلان شهر از جمله راه‌های ایجاد تشخیص است. همچنین در ادوار مختلف برخی بناها با فعالیت‌های خاص در بستر شهر تشخیص یافته‌اند. عناصری که در گذشته مسجد، بازار، خانقاه، مزار، حمام، آب‌انبار، تکیه و حسینیه، مدرسه و ارگ بودند و امروز بناهای سیاسی، اداری، تجاری و گاه مسکونی و مذهبی. این که چه عناصری تشخیص بیشتری دارند ریشه در ایدئولوژی حاکمان وقت و یا سازندگان بنا دارد. از میان عناصر شهری، تشخیص بناهای مذهبی از پر مناقشه‌ترین موارد است. هدف این پژوهش، گونه‌شناسی تشخیص بناهای مهم ارسن شهری به ویژه بناهای مذهبی است که می‌تواند برای طراحی شهری معاصر راه‌گشا باشد. این پژوهش با تحلیل بستر شکل‌گیری شیوه‌های چهارگانه معماری ایرانی اسلامی و همچنین با شیوه پدیدارشناسی از عمل به نظر، به گونه‌شناسی تطبیقی تشخیص عناصر شهری در سیمای شهرهای سنتی ایران پرداخته است. در ادامه پژوهش، تلاش می‌شود با معیارهای نظری و فرهنگی به نقد و ارزیابی عناصر شاخص شهری پرداخته شود. براساس یافته‌های به دست آمده دو گونه برخورد در تشخیص سیمای شهری از هم قابل تفکیک است. گونه نخست ضرورت‌گرا - کارکردگرا است که ظهور و تشخیص بناها را بیش از سیمای، در موقعیت قرارگیری در شهر دنبال می‌کند و چندان به تمایز زیباشناسانه اهمیت نمی‌دهد. این گونه تشخیص در دوره‌های نخست تمدن اسلامی (شیوه خراسانی) همچون ارسن شهری نایب بیشتر رایج بود. در گونه دوم بر تشخیص زیباشناسانه بناها به ویژه بناهای مذهبی تأکید می‌شود. تشخیص بنا در شهر، از مرحله تشخیص به واسطه کارکرد و موقعیت شهری به مرحله ایجاد تشخیص از طریق نما و برخورد زیباشناسانه با آن سیر می‌کند، سپس در دوره صفویه با نگاهی تعادلی، علت تشخیص ترکیبی است از عملکرد و موقعیت بنا در شهر و پرداخت زیباشناسانه به نمای آن. این پژوهش دوره صفویه را به عنوان رویکردی متعادل در نحوه تشخیص یافتن عناصر شهری معرفی کرده و تداوم الگوهای این دوره را توصیه می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: ارسن شهری، تشخیص بنا، مزار و خانقاه، مسجد، ضرورت‌گرایی، کارکردگرایی.

* hamzenejad@iust.ac.ir

** seirafianpour@shdu.ac.ir

۱- مقدمه

ایران، پس از ورود اسلام با شیوه‌های متفاوتی در معماری و شهرسازی روبرو بوده است. مرحوم پیرنیا چهار شیوه‌خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی را تفکیک و تشریح نموده است (پیرنیا ۱۳۸۷ الف، ۲۴). هر کدام از این شیوه‌ها در دوره‌های حکومت‌های مختلف با مبانی متفاوت و سطح مادی و معنوی متفاوتی ظهور نموده‌اند. این شیوه‌ها از لحاظ معماری نظیر تزئینات، نیارش، هندسه، فرم و شکل و بسیاری موارد دیگر تفاوت داشتند (پیرنیا ۱۳۸۷ الف، ۲۶ تا ۳۶)، در بُعد شهری نیز در مواردی همچون میزان تشخیص بناها، تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد که کمتر موارد پژوهش قرار گرفته است. چگونگی و میزان این تشخیص در عناصر ارسن شهری به موارد بسیاری از جمله رشد فرهنگی تمدنی، تفکر و ایدئولوژی حاکمان و نگرش دولت‌های و دولت مردان (بدوان ۱۳۷۹، ۱۹۳)، توان اقتصادی و فناوری سازندگان بنا مربوط می‌شده است.

سوالات پژوهش عبارت است از:

سیر تکامل تشخیص عناصر شهری، در سبک‌های چهارگانه معماری ایرانی اسلامی چگونه است؟
کدام الگوی تشخیص عناصر شهری می‌تواند برای شهرهای امروز کارکرد مناسب تری داشته باشد؟

فرضیه این پژوهش عبارت است از: میزان و چگونگی تشخیص عناصر شهری در سیر تکاملی تمدن اسلامی از تشخیص پلانی و کارکردگرا به تشخیص در نما و زیبایی‌گرایانه تحول یافت. همچنین در دوره زیبایی‌گرایی نیز از نمای ساده‌تر مساجد رازی تا تشخیص قوی مزارها و خانقاه‌های آذری سیری تعالی‌جو دیده می‌شود که در دوره صفویه نوعی تعادل و تشخیص میانه در نما و پلان مشاهده می‌شود.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر با هدف شناخت سیر تکامل تشخیص عناصر شهری، ابتدا با روش پدیدارشناسی وجوه تشخیص در پلان و نمای شهری به عنوان وجوه شاخص تعیین و در نمونه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. از دیگر سو با محوریت تقسیم‌بندی چهارگانه معماری ایران در دوران اسلامی به شرح خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی (پیرنیا، ۱۳۸۷ الف) بستر

جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی هر یک از شیوه‌ها مورد تحلیل واقع می‌شود. با بررسی شهرهای مختلف در ادوار تاریخی، ارسن شهری پنج شهر به نمایندگی از سبک‌های معماری ایرانی اسلامی انتخاب می‌شود. این شهرها نمودی از وضعیت شهرهای هم‌عصر خود در سبک مورد نظر هستند. ارسن شهری شهرهای نائین در شیوه‌خراسانی، اصفهان در شیوه‌رازی، نطنز در دوره اول شیوه‌آذری، مشهد در دوره دوم شیوه‌آذری و اصفهان در شیوه‌اصفهانی انتخاب شدند. میزان و نحوه تشخیص عناصر در پلان و نما در نمونه‌ها بررسی می‌شود. لازم به توضیح است اسناد مربوط به این شهرها و بناهای مورد مطالعه، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی به دست آمده است. در ادامه با روش استدلال منطقی، تحولات الگوی تشخیص سیمای شهری ایران از دو منظر مورد ارزیابی و تفسیر قرار می‌گیرد. اول از منظر سلسله مراتب نیازها و انگیزش‌های انسان - که براساس برخی مطالعات با مبانی اسلامی نیز قابل تطبیق است - و دیگر براساس شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن دوران، تحولات الگوهای تشخیص سیمای شهری ایران تفسیر و ارزیابی می‌گردد.

محدودیت اصلی این پژوهش ابتدا در دستیابی به اسناد اصیل و صحیح تاریخی است. همچنین تغییر، تخریب و بازسازی بسیاری از قسمت‌های ارسن شهرهای مورد مطالعه برای چنین مطالعه تطبیقی مشکل بزرگی است. اشتباه در تاریخ ساخت برخی بناها و یا حتی قسمت‌هایی از بنا (مانند گنبد، ایوان یا منار و یا حتی هر یک از طبقات بنا) و یا اشتباه در تعلق اجزاء به یک بنا باعث انحراف در تفسیر و نتیجه‌گیری می‌شود. به همین دلیل با بررسی منابع گوناگون و روایت افراد معتبر و اسناد به جای مانده از دوره‌های گذشته و تطبیق آن‌ها سعی شده است تا حد امکان این مشکل حل شود. در بیشتر مواردی که اختلاف در بین اسناد وجود داشت، تقریرها و نوشته‌های استاد پیرنیا منبع اصلی قرار گرفته است.

با توجه به آشفتگی فضای شهری و عدم وجود معیار و مبنای مدون و قابل قبول درخصوص نحوه تشخیص عناصر شهری، گونه‌شناسی و ارزیابی تشخیص عناصر در دوره‌های



کنار تحقیقات انجام شده در تدوین منظومه معماری ایرانی اسلامی می‌تواند مفید واقع شود و امکان شناخت دقیق‌تری، در راستای ترسیم وضعیت بایسته معماری و شهرسازی اسلامی فراهم آورد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- ارسن شهری

تعاریف مختلفی از ارسن در کتاب‌های مختلف موجود است. در تمامی این تعاریف بر روی «مجموعه» بودن آن تأکید شده است. در فرهنگ واژه‌های معماری سنتی ایران، ارسن مجموعه فضاها و عناصر تشکیل دهنده خانه، مجتمع شهری، مجموعه‌ای که کلیه نیازهای شهری را در خود دارد، تعریف شده است (فلاح فر ۱۳۷۹، ۳۳). در فرهنگ مهرازی برای ارسن توضیحی این چنین نوشته شده: گردایه (مجموعه) یک گروه از ساختمان‌های وابسته به هم و سپس ارسن شهری را همه ساختمان‌های همگانی شهری معرفی کرده است (رفیعی سرشکی، رنجبر، رفیع زاده ۱۳۸۲، زیر واژه ارسن). بنابر این تعاریف، ارسن شهری را باید مجموعه‌ای از بناها و عناصر شهری دانست که نیازهای شهری را برآورده می‌کند (پیرنیا ۱۳۸۷ الف، ۲۸۷). یعنی همان تعریف که از ارسن شهر در کتاب معماری ایرانی ارائه شده است: ارسن شهر در برگیرنده کویچه (کوچه)، کوی (محله) [برزن (ناحیه)]، میدان، بازار، خیابان و ساختمان‌های همگانی مانند مسجد، مدرسه و غیره می‌شده است (پیرنیا ۱۳۸۷ ب، ۷۳).

۲-۲- تشخیص در ارسن شهری:

برای مطالعه تشخیص عناصر ارسن شهری از سیما شناسی و موضع شناسی استفاده شده است.^۱

۲-۲-۱- سیما شناسی

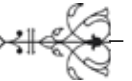
سیما شناسی یا مورفولوژی به «چگونگی» بناها مربوط است. ایستادن و برخاستن یعنی ارتباط بنا با زمین و آسمان و گشودگی‌ها در سیما شناسی اهمیت دارد (شولتز ۱۳۸۷، ۴۰). در این پژوهش با بررسی‌های عکس‌های هوایی، پرهیب^۲ شهری و منظر شهری به صورت صحنه‌هایی واحد از دید ناظر، به تشخیص سیمای ارسن شهری پرداخته می‌شود. سیمای شهری علاوه بر بُعد منطقی، ابعاد مهم زیباشناسی و هویتی دارد.

مختلف می‌تواند راه‌گشای طراحی شهری معاصر باشد.

پیشینه تحقیق

سیر تحول زیبایی‌شناسی معماری اسلامی در حوزه‌های مختلف جغرافیایی، از منظرهای مختلف و بر روی نمونه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. برخی محققین بر ارتباط وثیق میان هستی‌شناسی و زیبایی‌شناسی تأکید دارند و تغییر زیبایی‌شناسی هر دوره تاریخی را معلول درک متفاوت هستی‌شناسانه در آن دوره می‌دانند. (ر. ک. ملاصالحی، ۱۳۷۸). و معتقدند سیر معرفت‌های نظری هنرمند به صورت طولی از هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، سرانجام به فلسفه حسن‌شناسی و زیبایی‌شناسی می‌رسد (نقره کار، ۱۳۸۷، ۱۶۹). تغییر صورت بناهای تاریخی از منظر درآمیختگی‌های فرهنگی نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. از این منظر، تلاقی فرهنگی از طریق مجاری و عوامل گوناگون اجتماعی مانند جنگ‌ها و کشورگشایی، در شکل‌دهی و ایجاد مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی و حتی ساختارهای کالبدی بناها به ویژه معماری اسلامی نقش مهمی دارد. این فرایند در دو سطح در زمانی و هم‌زمانی روی می‌دهد و طی آن در سیری تکوینی برخی از فرهنگ‌ها در تلاقی با دیگر فرهنگ‌ها، عناصر و مؤلفه‌هایی را جذب و برخی را طرد می‌کنند (رشیدی، خبری، ۱۳۹۰، ۸۷). سیر تحول بناهای معماری اسلامی، از منظر عرفان اسلامی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. مفاهیم تنزیه، تشبیه، جمال و جلال از عرفان اسلامی اخذ و در نمونه‌هایی نظیر مسجد (سعادت جو و دیگران، ۱۳۹۲) و سر در مساجد (حمزه نژاد و دیگران، ۱۳۹۲) در دوره‌های چهارگانه معماری ایرانی اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. از این منظر، میزان انطباق معماری مساجد با مفاهیم عرفانی و قوانین فقهی از جمله تشبیه، تنزیه، جمال و جلال در ادوار مختلف بنا بر شرایط حاکم بر جوامع، متغیر بوده است. بررسی‌ها ثابت می‌کند در بدو ورود اسلام به ایران، ویژگی‌های سادگی و منطقی کارکردی بسیار پررنگ‌تر است و این ویژگی‌ها نشانگر حضور مفاهیم جلال و تنزیه در کالبد مساجد اولیه است (سعادت جو و دیگران، ۱۳۹۲، ۲۸). شناخت و تبیین سیر تشخیص عناصر شهری از منظر پدیدارشناسی و با توجه به بستر فرهنگی اجتماعی، در





۲-۲-۲- زیباشناسی سیمای شهر

تاکنون تقسیم بندی‌های مختلف و متفاوتی از زیبایی شناسی مطرح شده است. از این میان تقسیم بندی جورج سانتایانا از زیبایی شناسی تحت عنوان زیبایی شناسی حسی، فرمی و نمادین هنوز معتبر است (لنگ ۱۳۸۶، ۲۰۶). هر سه مورد آن‌ها در ایجاد تشخیص در سیمای شهری نقش به سزا داشته و در مطالعه تکامل سیمای شهرهای ایران باید مورد توجه باشد.

در مورد زیبایی شناسی حسی دانش کمی وجود دارد و تحلیل‌های موجود نیز به شدت ذهنی و درونی اند (لنگ ۱۳۸۶، ۲۰۶). زیبایی شناسی حسی با حس‌های لذت بخشی که از محیط قابل دریافت است سروکار دارد. به عبارتی دیگر برانگیختن حواس (دیدن، شنیدن، چشیدن، بوییدن و لمس کردن) به وسیله رنگ، بو، صدا، بافت و مواردی مشابه است (Lang ۱۹۹۲، ۱۱). از این بین حس‌های بینایی و شنوایی در شناخت ارزش‌های زیباشناختی اهمیت بیشتری دارند (لنگ ۱۳۸۶، ۲۰۶). شاید بتوان گفت کیفیت‌های حسی از مهمترین عوامل درک زیبایی شهرها هستند (Berleant ۲۰۰۷، ۸۱).

موضوع زیبایی شناسی فرمی ارزشهای اشکال و سازه‌های محیط است. در معماری موضوعات اصلی زیبایی شناسی فرمی بیشتر نقش و تاثیر اشکال، تناسبات، ریتم، مقیاس، پیچیدگی، رنگ، سایه و روشن محیط ساخته شده و طبیعی و همچنین صحنه‌های پیاپی قابل مشاهده در محیط هستند (Porteous ۱۹۹۶، ۲۲ و لنگ، ۱۳۸۶، ۲۱۵).

زیبایی شناسی نمادین به معانی بالقوه نمادین از محیط ساخته شده برای مردم می‌پردازد. درک این معانی بر روی احساسات مردم موثر است و باعث احساس خوشایندی در آنان می‌شود (Porteous ۱۹۹۶، ۲۲). همچنین هویت یافتن با معانی نمادین محیط ساخته شده احساس تعلق مردم را به یک گروه اجتماعی یا یک مکان افزایش می‌دهد (لنگ ۱۳۸۶، ۲۳۰).

۲-۲-۳- موضع شناسی و کارکرد

موضع شناسی یا توپولوژی، نظام فضایی را مورد بررسی قرار می‌دهد (شولتز ۱۳۸۷، ۴۲). به بیانی دیگر بنا بر نظریه

گشتالت اجزا علاوه بر این که برای خودشان معنای خاص دارند، در کنار هم به صورت مجموعه عمل می‌کنند و معنای جدیدی را به خود می‌گیرند (پریسا راد ۱۳۸۵). در این پژوهش برای بررسی این مورد بیشتر از پلان‌ها کمک گرفته شده تا بتوان آرایش فضایی را در آن‌ها یافت. مهمترین عامل تاثیر گذار در موضع شناسی کارکرد اجزا و روابط آن‌ها است. بعد منطقی مطالعات موضع شناسی بیشتر از مطالعات سیما شناسی است.

۳- مطالعه ادوار تحول تشخیص شهری شهرهای اسلامی ایرانی

۳-۱- دوره ضرورت گرایی (سبک خراسانی و آغاز ظهور فرهنگ اسلامی در ایران)

۳-۱-۱- تحلیل بستر تاریخی

شهرهای دوره سامانی با شهرهای ادوار پیش از آن فرق داشته‌اند. این تمایز در درجه اول به دلیل عوض شدن مرکز فعالیت بود. شهرهای قدیم کم و بیش به قلاع و محلات مسکونی اطراف آن‌ها که شارستان نامیده می‌شد و دیواری آن‌ها را احاطه می‌کرد محدود شده بودند. گسترش زیاد حرف و صنایع، داد و ستد و بازارها مخصوصاً در قرن سوم و چهارم هجری قمری (۱۰ میلادی)، در حکم انتقال جمعیت به حومه شهر یا ریح بود. امنیتی که در دوره سامانیان احساس می‌شد و از بین رفتن خطر حمله اقوام کافر بیابانگرد، موجب رشد و رونق اطراف شهر در خراسان و ماوراء النهر گردید. (فرای، ۱۳۴۴) در این دوره به دلیل امنیت، هم شهر به مراتب وسیع تر و متراکم تر از نمونه کهن خویش گردیده است و هم شهر نه فقط بر اطراف هسته قدیمی خویش بلکه کاملاً در بیرون از آن-ریض- گسترش یافته است. فرو ریختن دیوارهای شارستان و فراموش شدن آن دقیقاً سردر فروریختن سلسله مراتب اجتماعی و نظام کاستی دارد. (حبیبی ۱۳۹۰، ۶۳) برقراری امنیت به واسطه اقتدار حکومت از یک سو و نشر بینش اسلامی و پیرو آن رو به افول رفتن نظام کاستی از سوی دیگر، موجب تغییر حدود شهر و توسعه آن و تغییر عناصر اصلی و شاخص شهر شد. این جریان، جایگاه عناصر شاخص شهرهای پیش از اسلام، نظیر دژ و ابنیه حکومتی را متزلزل و برای آن جایگزین‌هایی معرفی





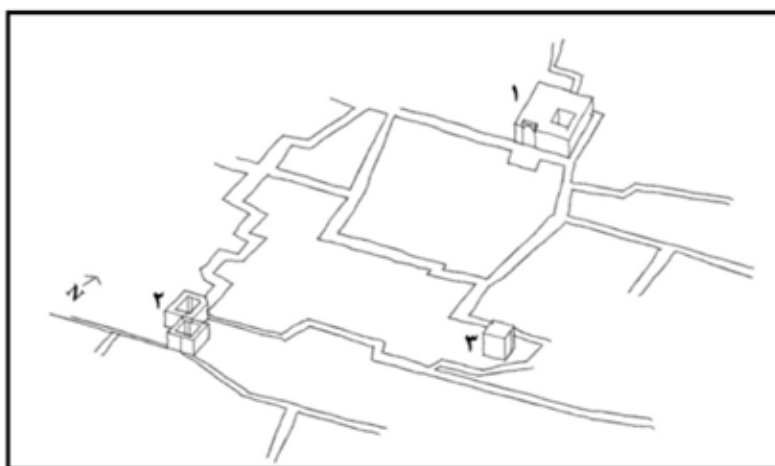
از نارنج قلعه، مسجد جامع، بازار و مسجد قدیمان. اهالی شهر معتقدند که مسجد قدیمان در قرن اول هجری و پیش از مسجد جامع ساخته شده و در آن زمان نقش مسجد جامع را ایفا می‌کرده است (سلطان زاده ۱۳۷۴، ۳۰). موقعیت این عناصر (جز نارنج قلعه که از گذشته وجود داشته) در پلان شهر به گونه‌ای است که بیشترین دسترسی‌ها را داشته باشد. همچنین بازار و مسجد قدیمان نیز در جایی قرار گرفته‌اند که در امتداد راه منتهی به دروازه شهر باشند. این احتمال برای مسجد جامع نیز وجود دارد (سلطان زاده ۱۳۷۴، ۳۲).

نمود که مسجد با توجه به کارکردهای متنوعش مهمترین آن‌ها است. معماری مسجد در این دوره در حال نسج گرفتن است و به دلیل عمر کمش، با گونه‌های ساده شبستانی، تنبی شکل، تک ایوانی و بعضاً دو ایوانی ظاهر می‌شود. در این دوره، مسجد موقعیت کم و بیش شاخصی در شهر دارد لکن در سیمای شهری، تشخیصی قابل ملاحظه‌ای ندارد.

۳-۱-۲- تحلیل پدیدار شناسی؛ نمونه: ارسن شهر

نائین

تا اوایل قرن پنجم هجری عناصر اصلی شهر نائین عبارتند



نقشه شماره ۱: نائین تا اوایل قرن پنجم هجری، ۱.مسجد جامع، ۲.مسجد جامع، قدیمان و میدانچه کلوان، ۳.نارنج قلعه (منبع: نگارندگان)

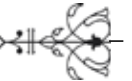
آزاد شهری و در مقابل یک میدانچه با هندسه آزاد قرار گرفته است. (همچنین نارنج قلعه نیز دارای تشخیص است ولی این عنصر شهری نسبت به مساجد قدمت بسیاری بیشتری دارد). بازار در نمای ارسن شهر به چشم نمی‌آید.

آنچه که از سیمای کلی ارسن شهر نائین بر می‌آید تشخیص مساجد از سایر عناصر شهر کمی بیشتر است. هر چند که مسجد جامع فاقد ایوان و گنبد خانه است^۳ (سلطان زاده، ۱۳۷۴، ۱۶۵) ولی در پلان، ورودی مسجد اگر چه یک محور قوی در شهر ایجاد نکرده ولی در امتداد یک محور ارگانیک و



تصویر شماره ۱: تقریباً هیچ عنصری شاخصی (جز نارنج قلعه) در ارسن شهر نمایان نیست، پرهیب ارسن شهری نائین (منبع: نگارندگان)





دوره سلجوقیان مترادف است با شکل‌گیری نظام متمرکز و قاهر دولتی. کلیه آزادی‌های فرهنگی و عقیدتی دوره آل بویه و قرن چهارم از میان برداشته می‌شود و دولت دیوانی با قدرتی بس بیشتر از آنچه سامانیان به وجود آورده بودند، سیطره خود را بر سرزمینی وسیع می‌گسترانند (حبیبی ۱۳۹۰، ۷۲). کالبد شهر در این روزگاران عبارت است از میدان اصلی و بزرگ (اغلب در میانه شهر) که در پیرامون آن کاخ‌ها، دیوان‌ها، جامع و گاه بیمارستان قرار دارد. دهانه اصلی بازار به این میدان باز شده و شاخه‌های خود را در شهر می‌گسترانند و بر گرداگرد این مجموعه است که محلات شهری بنا بر موقعیت اجتماعی اقتصادی و فرهنگی خویش در کنار هم قرار می‌گیرند. مدارس و مساجد اصلی معمولاً درهای خود را بر روی بازار و یا گذرهای اصلی و عام می‌گشایند و از اینکه در عمق محلات واقع شوند به دور می‌مانند. (حبیبی ۱۳۹۰، ۷۷). تشخیص در سیمای شهرهای این دوره ظهور پیدا کرده و بیشتر منحصر به مساجد است. ساخت گنبدها، مناره‌ها و سردرهای مرتفع نسبت به گذشته از شاخصه‌های ایجاد تشخیص در این دوره است.

۳-۲-۲- تحلیل پدیدارشناسی؛ نمونه: ارسن شهر اصفهان (در شیوه رازی)

مسجد جامع اصفهان در شیوه خراسانی بنا نهاده و در شیوه رازی طرح شبستان ستون‌دار به چهار ایوانی تبدیل شد (پیرنیا ۱۳۸۷ الف، ۱۷۸). در این دوره گنبد خانه و ایوان جلوی آن نیز به مساجد اضافه گشت (پاک باز ۱۳۸۶، ۳۲). ارتفاع بیشتر گنبد و مناره‌ها و ایوان‌ها نسبت به سایر قسمت‌های ارسن شهری به خوبی در پرهیب آن نمایان است.

۳-۲- دوره زیباگرایی حداقلی در سیمای مسجد (شیوه رازی)

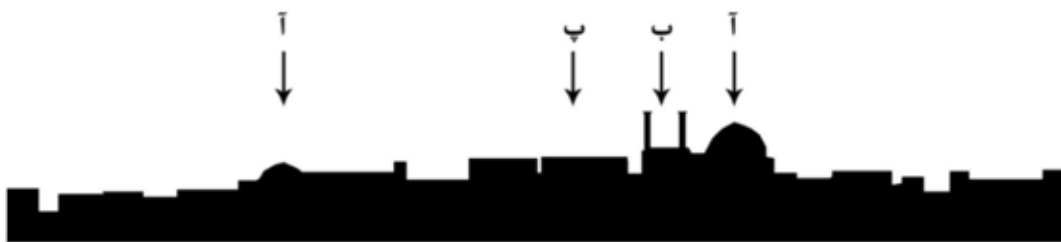
۳-۲-۱- تحلیل بستر تاریخی

دوره رازی را می‌بایست به دو بخش تقسیم نمود. بخش اول، قرن چهارم هجری است که با آزادی‌های دولت آل بویه همراه بود و از آن به عنوان مرجع شهرسازی و تفکر شهری (ر. ک. حبیبی ۷۳) یاد می‌شود و دوره دوم قرون پنج و شش هجری است که با حکومت مقتدر ترکان می‌گذرد و دیگر شاهد آزادی‌های پیشین نیستیم.

دوره اول شیوه رازی؛ دوره آزادی

آزادی مذهب، آزادی اندیشه، رجوع به مفاهیم برابری و برادری و... نیروی محرکه سازماندهی فضایی - کالبدی دوران حکومت آل بویه است. به همین دلیل است که قرن چهارم هجری به عنوان یکی از مقاطع مهم و با معنای شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی کشور مطرح می‌شود. کالبد شهر کماکان برمیدانی میانی (به عنوان مثال میدان کهنه اصفهان) پی افکنده شده است که در اطراف آن دیوان‌ها، بازارها و مسجد جامع قرار دارند. محلات شهری بدون هیچ برتری قومی - مذهبی، نژادی و... بر اطراف مجموعه مرکزی و بازار گسترده می‌شود. امری که به عنوان یک استثناء چه در دوران قبل و چه دوران بعد، مطرح می‌شود. (حبیبی ۱۳۹۰، ۷۱) در این دوره هنوز سادگی شیوه خراسانی برقرار است و جلوه‌گری و نمایش در شهر جایگاهی ندارد. به بیان دیگر، برابری اجتماعی در بناهای شهری نیز ملاحظه می‌شود. معماری این دوره در حال گذار به شیوه رازی است و هنوز بناها سادگی شیوه خراسانی را دارند.

دوره دوم شیوه رازی: دوره اقتدار حکومت مرکزی حکومت ترکان در قرن پنجم و ششم هجری و به خصوص

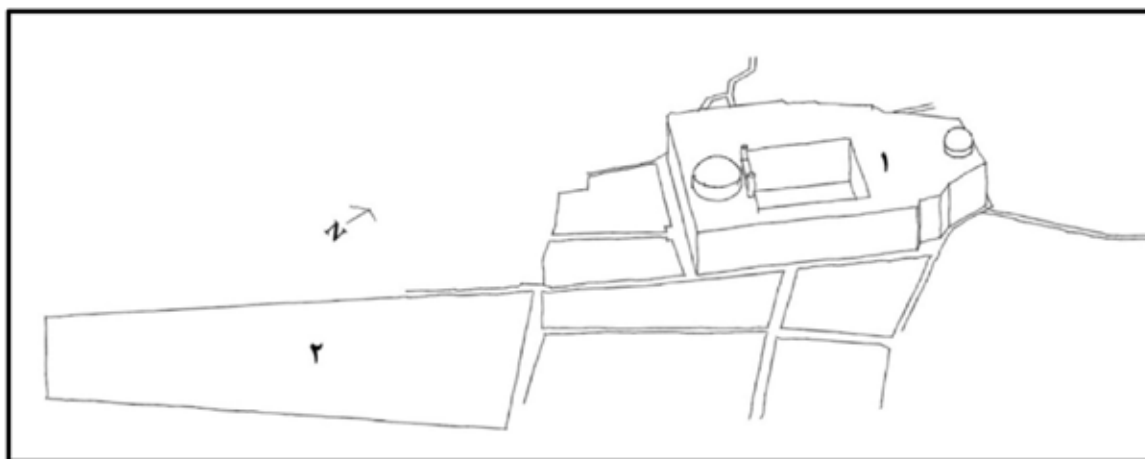


تصویر شماره ۲: تشخیص مسجد در ارسن شهر، پرهیب ارسن شهر اصفهان (مسجد جامع و میدان کهنه)، آ. گنبد ب. مناره‌ها پ. ایوان‌ها (منبع: نگارندگان)



حل شده است. قدرت، سادگی، بی‌پیرایگی، غنا و شکوه از مشخصه‌های این مسجد است (بدوان ۱۳۷۹، ۲۲۳).

مسجد جامع اصفهان در حاشیه بازار قرار گرفته است و بافت اطراف آن نیز کاملاً پر است. با آن که راه‌های زیادی به مسجد می‌رسند ولی مسجد در بافت اطراف خود



نقشه شماره ۲: تشخیص پلانی، ۱. مسجد جامع ۲. میدان کهنه، اصفهان (منبع: نگارندگان)

نمونه‌ای از جلال و شکوه خویش را به نمایش بگذارد. (حبیبی ۱۳۹۰، ۸۲)

تشخیص بناهای مذهبی به لحاظ مقیاس و تزئینات از نموده‌های جلال و شکوه شهرهای این دوره است که بر خلاف ادوار قبل در سیمای شهر متمایز و قابل شناسایی است. علت تشخیص این بناها، تعریف تک شهرهایی است. مقتدر و متمرکز که محل حضور فرمانروایان مغول است. در این دوره برای تشخیص بناهای مذهبی و آرامگاهی از دو مفهوم زیبایی و عظمت بهره گرفته شد. پیشرفت‌های فنی در این دوره منجر به تولید انواع آجرها و کاشی‌های رنگی شد که امکان آمود را به صورت مجزا از بنا فراهم می‌آوردند. رواج گسترده کاشیکاری-های معرق و معقلی جلوه‌ای دیگر به بناهای شاخص شهر آذری داد. البته از علل پرنگ شدن نقش رنگ در معماری آن دوره می‌توان به ذائقه ایلخانان و ارتباط با بازرگانان چینی اشاره کرد.

از سوی دیگر پیشرفت در فنون ساخت، امکان پوشش دهانه‌های وسیع توسط گنبد‌های بزرگ نظیر سلطانیه با ارتفاع حدود پنجاه متر و همچنین پوشش دهانه‌های بزرگ نظیر مسجد علیشاه با دهانه‌ای حدود سی متر را

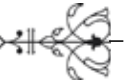
در این دوره ضمن ادامه‌ی روند تشخیص عناصر شهری در پلان، شاهد شروع تشخیص برخی عناصر نظیر مسجد و مسجد-مدرسه در نما هستیم. این امر از طریق تغییر تناسبات، افزایش ارتفاع و رواج المان‌های گنبد و منار محقق شد.

۳-۳- دوره زیبایی‌گرایی (شیوه آذری)

۱-۳-۳ تحیلی بستر تاریخی

در این دوره تفکر قبیله‌ای-بیابانگردی مغولان در مقابله اندیشه برتر سازمان و شهرنشینی قرار می‌گیرد. مغولان بنیان‌های سازمان شهری کشور را از هم گسستند و شهرگرایی را نزدیک به یک قرن به سکوت وامیدارند. نبود دولت مرکزی، علیرغم تلاش‌های بسیار برای تعدیل شهرها و ستم ورزی‌های ایلخانان مغول منجر بدان می‌گردد تا بسیاری از مردمان برای تأمین امنیت، گداگرد شهرهایی جمع شوند که خان مغول در آنجا استقرار و مقام‌گزیده است. در طول حکومت خان‌ها و ایلخانان مغول و حتی پس از آن در زمان گورکانیان، نه با یک شبکه شهری بلکه با تک‌شهرهای متمرکز مواجه می‌گردیم. تک‌شهرهایی که فرمانروای مغول بر آن است تا در آن‌الگو





۳-۳-۲- تحلیل پدیدار شناسی
بررسی ارسن شهرهای این دوره در دو گونه کلی امکان پذیر است. تشخیص در سیمای ارسن شهری در این دوره به اوج خود می‌رسد و تشخیص پلانی نیز همچنان در حال تکامل است.

۳-۳-۱- الگوی تشخیص مزار (گونه نخست آذری)؛ نمونه: ارسن شهر نطنز

بخش‌های مختلف مسجد جامع نطنز و خانقاه شیخ عبد الصمد نطنز در دوره ایلخانان پایان یافته است و از بناهای شیوه آذری محسوب می‌شوند (پیرنیا ۱۳۸۷ الف، ۲۵۷). مسجد تشکیل شده از یک شبستان هشت ضلعی گنبد دار بسیار ساده و خفته به طوری که مسجد با آن که مسجد جامع است و فضاهایی بسیار متنوع و جالب برای اعتکاف، نماز جمعه و غیره دارد، به هیچ وجه دارای تشخیص شهری نیست. بنای مسجد و بنای بقعه و خانقاه شیخ عبدالصمد به یکدیگر متصل است. بر روی بقعه گنبدی هرمی شکل و هشت ضلعی وجود دارد، کنار آن منار و در جلوی آن سردر کم نظیر و بسیار زیبای خانقاه (ورودی اصلی) قرار گرفته است (اعظم واقفی ۱۳۷۴، ۵۴).

میسور گرداند. تنوع طراحی در تهرانگ ساختمان که در "تهاز" (بیرون زدگی) و "تخیر" (تورفتگی) در کالبد نمایان شد. حجم‌های برون‌گرا خاصه در دوره تیموری به کار گرفته شد. ایوان‌ها باریک‌تر و بلندتر شد. ساخت‌گنبد‌های سه پوسته نظیر آرامگاه گوهرشاد در هرات و گنبد‌های دوپوسته مرتفع به کمک دیوارهای خشخاشی بر روی گریو و اربانه و رواج استفاده از تاق آهنگ و تاق کلنبو و تاق و تویزه از دیگر جلوه‌های پیشرفت فن آوری در راستای افزایش شکوه و جلال معماری در سبک آذری است. دوره آذری اول، دوره افزایش تزئینات و رعنائی است که در دوره آذری دوم به اوج خود می‌رسد.

در دوره موسوم به آذری دوم، که سراسر قرن هشتم و نهم هجری (قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی همزمان با آغاز رنسانس) را شامل می‌شود. زمانی که در اروپا دوران قرون وسطی رو به افول است و تجدید را نشانه می‌برد، با حضور تیموریان، شهرگرایی ایران در حوضی کامل است. تلاش‌های شاهرخ تیموری و جانشینان او سبب شد در نقاط مختلف ایران شهرگرایی و شهرنشینی رشد آرام و مجدد خود را شروع کند. به واسطه موقعیت استقرار تیموریان بیشتر در سمت شرق ایران شاهد بناهایی با ویژگی‌های این دوره می‌باشیم. (همان، ۹۳)



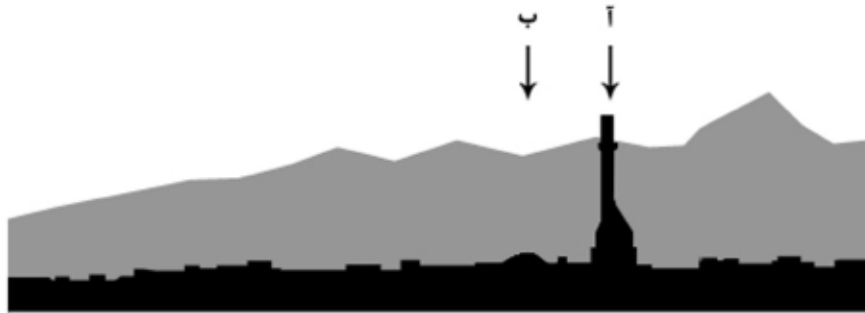
نقشه شماره ۳: نطنز، ۱. مزار و خانقاه شیخ عبدالصمد نطنزی ۲. مسجد جامع ۳. میدانچه جلوی مزار و خانقاه (منبع: حمزه نژاد، زرین قلم، ۱۳۹۰)

منار و گنبد آرامگاه و خانقاه شیخ عبدالصمد در دور نمای شهر کاملاً مشخص است ولی گنبد مسجد جامع به دلیل خفتگی و تزئینات بسیار کم این گونه نیست.



خفتگی و تزئینات بسیار کم این گونه نیست.

منار و گنبد آرامگاه و خانقاه شیخ عبدالصمد در دور نمای شهر کاملاً مشخص است ولی گنبد مسجد جامع به دلیل



تصویر شماره ۳: تشخیص مزار و خانقاه شیخ عبدالصمد نطنزی، پرهیب ارسن شهری نطنز، آ.مناره و گنبد مزار و خانقاه شیخ عبدالصمد ب. گنبد مسجد جامع (منبع: حمزه نژاد، زرین قلم، ۱۳۹۰)

همچنین تزئینات بسیار بیشتری دارد. این ورودی دقیقاً در محور اصلی میدانچه و مقابل درخت چنار تاریخی و با عظمت قرار دارد. درخت چنار رکن مهم بسیاری از مزارها و خانقاه ها است ولی در بیشتر مساجد این گونه نیست.

ورودی اصلی مسجد در قسمت جنوبی و به میدانچه مقابل مزار نزدیک است ولی در محور اصلی میدانچه قرار ندارد. دو ورودی دیگر مجموعه در قسمت شمالی مجموعه و در کوچه های باریکی قرار گرفته اند. ورودی خانقاه شیخ عبدالصمد بسیار بزرگ تر از ورودی مسجد است و



مکاتب تمدن اسلامی بوده است. این الگو اگر در آن افراط نشود مطلوب است.

به طور کلی مکتب شهری شیراز را می توان یکی از بهترین نمونه های این الگو است که در همان دوره ایلخانی و تیموری و همزمان با ساخت مجموعه نطنز از مهم ترین



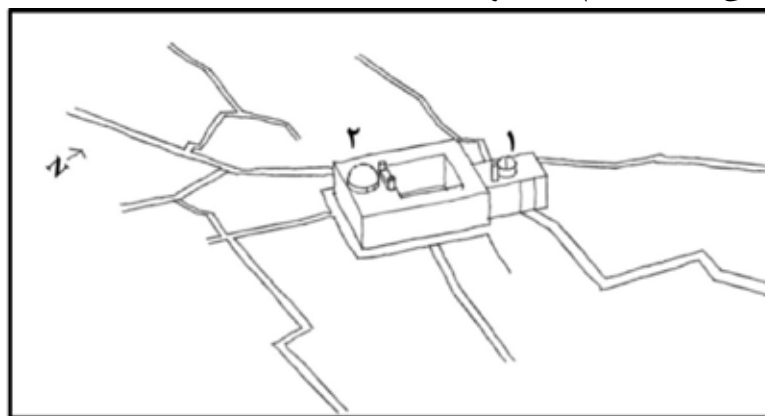


تصویر شماره ۵: قرار گرفتن سردر خانقاه در مقابل درخت چنار، نطنز، خانقاه و مزار شیخ عبدالصمد نطنزی
(منبع: سایت Panoramio عکس از حیدری)

مأمون بر پا کرد با نمایی گلین و کم تزئین تشخیص کمی دارد. سلطان مسعود غزنوی بقعه را با آجر بازسازی و مناره ای هم به آن اضافه کرد که تشخیص سیمایی بالاتری یافت. سلطان سنجر و سلطان محمد خدابنده هر یک در افزودن به ارتفاع و تزئین بیشتر گنبد حرم تلاش نمودند (قزلی و اسکندری ۱۳۸۵، ۱۴ تا ۱۶).

۳-۳-۲- الگوی تشخیص مسجد (گونه دوم آذری)؛ نمونه: ارسن شهری مشهد

مجموعه حرم امام رضا (ع) در دوره های زمانی مختلفی (از دفن حضرت تا امروز) شکل گرفته است. ولی بیشتر توسعه ها و تغییرات مربوط به دوره های تیموری، صفوی و قاجار هستند (رضوانی و آیتی ۱۳۸۴، ۲۷۵). بقعه اولیه ای که



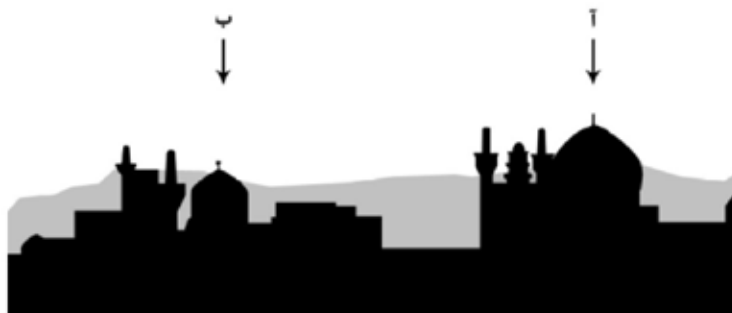
نقشه شماره ۴: تشخیص پلانی مجموعه، ۱. گنبد و حرم امام رضا (ع) ۲. مسجد گوهرشاد، مسجد در جهت قبله در جلوی مسجد قرار گرفته است، مشهد (منبع: حمزه نژاد، زرین قلم، ۱۳۹۰)

است، طوری که در ارسن مجموعه بالاترین تشخیص در نما را داراست و بعد از آن گنبد حرم امام رضا (علیه السلام) دارای تشخیص است. همچنین در آن زمان صحن مسجد گوهرشاد بزرگ‌ترین صحن بوده است. البته تشخیص حرم در آن موقع بسیار کم جلوه‌تر از امروز بوده و تشخیص با طلاکاری گنبد و توسعه ورودی‌ها و غیره در نما و پلان توسط صفویان انجام گرفت (قزلی و اسکندری ۱۳۸۵، ۱۸).

در دوره تیموریان و در زمان شاهرخ، مسجد گوهرشاد که اولین مسجد جامع شهر بود ساخته شد (قزلی و اسکندری ۱۳۸۵، ۱۷) و به رکن اصلی منظر شهری تبدیل شد. احتمالاً تا پیش از این به دلیل وجود بارگاه امام رضا (علیه السلام) نیاز به وجود مسجد جامع احساس نمی‌شده است. مسجد بالای سر ایلخانی بسیار کوچک و معطوف به حرم است، در حالی که مسجد گوهرشاد با گنبد و مناره‌هایش دارای تشخیص بالایی



تصویر شماره ۶: مشهد، حرم امام رضا (علیه السلام) و مسجد گوهرشاد و تشخیص مسجد گوهرشاد، تصویر مربوط به توسعه دهه ۵۰ در دوره پهلوی دوم است (منبع: کیانی، ۱۳۸۷، ۴۷۲)



تصویر شماره ۷: تشخیص مسجد گوهرشاد، پرهیب ارسن شهری مشهد، آ.مسجد گوهرشاد ب.حرم امام رضا (علیه السلام) (منبع: حمزه نژاد، زرین قلم، ۱۳۹۰)

ازبکان (که متعصبان اهل سنت بودند) عاملی بوده که سبب شده تلاش شود تشخیص مسجد از مزار بیشتر گردد. با تفکیک نمود از بنا و رواج گسترده کاشیکاری و پررنگ شدن نقش رنگ در معماری دوره آذری، وجهی به وجه تشخیص عناصر شهری این دوره افزوده شد. بناهای شاخص شهری در این دوره از حیث نوع تشخیص و زیبایی شناسی حسی و نمادین از جایگاه متفاوتی نسبت به دوره‌های پیشین برخوردارند.

این مسجد در قسمت جنوبی بارگاه حضرت رضا (علیه السلام) احداث می‌شود، طوری که رو به قبله و پشت به بارگاه است. مسجد گوهرشاد به هیچ وجه حالت خفته ندارد و کاملاً نمایان است. این موضوع نشان می‌دهد که استاد قوام الدین شیرازی قصدی آگاهانه داشته تا سنت تشخیص مزاری شیراز را تغییر دهد و مسجد گوهرشاد را در نما و پلان دارای تشخیص بیشتر نماید. شاید دلیل بستر اعتقادی حاکم بر شرق کشور به ویژه



۳-۴- الگوی تعادل گرایی (شیوه اصفهانی)

۳-۴-۱- تحلیل بستر تاریخی

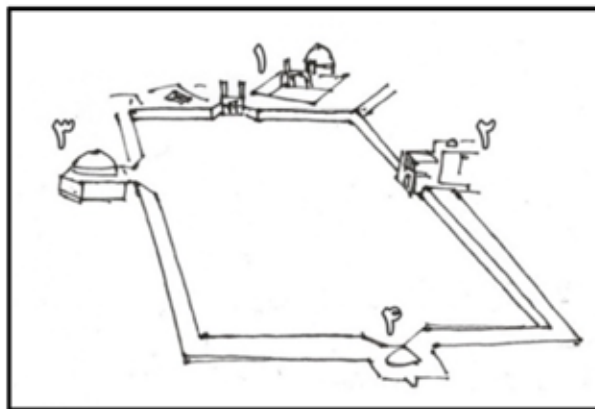
تغییر پایتخت از قزوین به اصفهان (بنا به دلایل سیاسی و نظامی)، شکلگیری دولت قاهر مرکزی و استیلای سیاسی- عقیدتی آن، چه در پهنه سیاست خارجی و چه در زمینه سیاست داخلی، سبب می‌گردد تا این دولت صفوی به مادیت یخشیدن به مفاهیم سیاسی- عقیدتی، فرهنگی و اقتصادی- اجتماعی خود بپردازد و به شهر چون نماد، تجسم و تجسد کالبدی- فضایی این مفاهیم بنگرد. برنامه ریزی، طراحی و اجرای شار جدید اصفهان بیانی روشن از این نمادگرایی و سازماندهی فضایی است. این بیان فضایی و نمادگرایی آن، چنان محکم، روشن و ظریف است که بی هیچ تردیدی در زمینه هنر شهرسازی و برپایی شهر، الگویی تازه را پایه می‌نهد که به علت خاستگاه سرزمینی اش، مکتب اصفهان نام می‌گیرد. این شار، علاوه بر «شهر- قدرت»، «شهر- نمایش» و «شهر- آرمان» نیز می‌باشد، در عین آنکه «شهر- بازار» و «شهر- سرمایه» است، «شهر- دیوان» نیز می‌باشد و با در برگرفتن همه این مفاهیم، «شهر- منطقه» گستره عمل آن است (حبیبی، ۱۳۹۰، ۹۴). این

جامع الاطراف مکتب اصفهان موجب تشخیص بناهای با کاربری‌های مذهبی، تجاری، سیاسی و حکومتی در سیمای شهر می‌شود. تشخیصی که به واسطه میراث گسترده و متنوع معماری ایرانی از دوران خراسانی، رازی و آذری، در صورت‌های متنوعی ظهور می‌یابد.

۳-۴-۲- تحلیل پدیدار شناسی؛ نمونه: ارسن شهر اصفهان (دوره صفوی)

ارسن میدان نقش جهان در اصفهان را می‌توان به عنوان بارزترین نمونه این شیوه دانست. این میدان در دوره صفوی احداث و تکمیل شد و شاید بتوان گفت به گونه‌ای در تقابل با میدان کهنه و مسجد جامع کنار آن (که به وسیله بازار به یکدیگر مرتبط شدند) قرار گرفت (Brignoli، ۲۰۰۷، ۱۲۶). چهار عنصر مهم شهری در چهار سوی این میدان قرار دارد. مسجد امام و قیصریه در محور شمالی- جنوبی میدان و مسجد شیخ لطف الله و عالی قاپو در محور شرقی- غربی، قرار گرفته‌اند (کیانی، ۱۳۷۴، ۱۳۷). هر کدام از این عناصر در پلان دارای تشخیص است.

۴- گونه شناسی

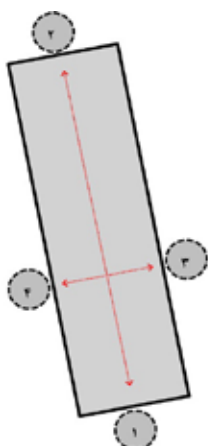


تصویر شماره ۸: تشخیص عناصر شهری، ۱. مسجد امام ۲. عالی قاپو ۳. مسجد شیخ لطف الله ۴. قیصریه
(منبع: ترسیم نگارندگان براساس: پیرنیا، ۱۳۸۷ الف، ۲۹۰)

در درجه سوم تشخیص است. اگر چه در عرض میدان است ولی تقابل با کاخ اهمیت ویژه‌ای به آن می‌دهد. ولی رنگ گنبد منحصر به فرد و تزئینات ویژه و تورفتگی ورودی تا حدودی جبران تشخیص می‌کند. در نهایت بازار صرفاً دارای تشخیص کارکردی به دلیل قرارگیری در محور طولی میدان و دارای حداقل شاخصه‌های تشخیص سیمایی و زیبایی شناسی است.

پر تشخیص‌ترین عنصر مجموعه مسجد امام است چرا که دقیقاً در طول محور اصلی میدان و با حجم و عظمت بالا، بلندترین رکن کل مجموعه را به خود معطوف می‌کند. پس از آن کاخ عالی قاپو اگر چه در عرض قرار گرفته ولی ارتفاع زیاد و تعرض و جلو آمدگی بنا به میدان سبب تشخیص آن می‌گردد. مسجد شیخ لطف الله به علت ارتفاع کمتر و عدم وجود مناره





تصویر شماره ۹: اصفهان، میدان نقش جهان، ۱. مسجد امام ۲. قیصریه ۳. مسجد شیخ لطف الله ۴. عالی قاپو (منبع: نگارندگان)

عنوان نمونه اگر این تعادل در تشخیص تقریباً تا پایان دوره صفوی دنبال می شود. خیابان چهارباغ توسط شاه عباس اول با بدنه ای منسجم و میانه ای طراحی شده، احداث می شود (Ruggles، ۲۰۰۸، ۱۸۶). در دوره های بعد نیز مدرسه چهارباغ در کناره این محور و با تشخیص نسبتاً زیادی در سیما، ظهور می نماید.

تشخیص در سیمای میدان، تفاوت هایی با شهرهای پیشین دارد. نخست این که تشخیص تنها مربوط به بناهای مذهبی و مسجد نیست، بلکه بناهای سیاسی و حکومتی همچون عالی قاپو، بناهای تجاری و بازرگانی همچون قیصریه و بناهای دیگری چون مدرسه چهار باغ در عرصه شهری حضوری چشم گیر یافته اند و در پیوند با یکدیگر دارای تشخیص هستند. این تشخیص در سیما، متعادل و دارای سلسله مراتب است؛ به



تصویر شماره ۱۰: تشخیص عناصر شهری، پرهیب میدان نقش جهان، اصفهان، آ. عالی قاپو ب. مسجد امام پ. مسجد شیخ لطف الله ت. قیصریه (منبع: نگارندگان)



تصویر شماره ۱۱: اصفهان، مدرسه چهارباغ، این بنا مسجد نیست و تنها نمازخانه یک مدرسه دینی است ولی تشخیص سیمای بنا (و نه پلان) با مسجد امام قابل مقایسه است. (منبع: سایت Panoramio)



براساس آنچه در سیر این نوشتار آمد می‌توان گونه شناسی را به شرح ذیل برشمرد:
تشخیص عناصر شهری معماری ایران در ادوار مختلف تاریخی

جدول شماره ۱: گونه شناسی تشخیص عناصر شهری براساس بررسی نمونه ها
(منبع: حمزه نژاد، زرین قلم، ۱۳۹۰)

دوره	شیوه	چگونگی تشخیص عناصر	بناهای دارای بیشترین تشخیص	نمونه (ها)
خراسانی (قرن ۱، ۲ و ۳)	ضرورت گرا، کارکردگرا (شهر خفته)	تشخیص در پلان و براساس ضرورت	بناهای پرمراجه و براساس ضرورت مسجد	نائین
رازی (قرن ۴، ۵ و ۶)	زیبایی گرایی کارکردی	آغاز زیبایی گرایی در سیمای شهری	مسجد مسجد - مدرسه	اصفهان (شهر رازی) اردستان، زواره
آذری قرن ۷، ۸، ۹	زیبایی گرای خیال گرا مزار محور	اوج زیباگرایی در سیمای شهری	مزار / خانقاه	نطنز، بسطام ری، تربت جام
	زیبایی گرای خیال گرا مسجد محور	اوج زیباگرایی در سیمای شهری	مسجد	مشهد قم
اصفهانی (قرن ۱۰، ۱۱ و ۱۲)	همه جانبی تعادل محور	تعادل گرایی	همه موارد به صورت سلسله مراتبی	اصفهان (شهر صفوی) مشهد (شهر صفوی)

دوره اول: در این دوره تشخیص عناصر براساس ضرورت و در پلان شهر صورت می‌گیرد. یعنی عناصر پر کاربرد شهری که معمولاً مسجد و بناهای وابسته به مسجد است، گاه در قسمت‌هایی قرار می‌گیرند که راه‌های بیشتری به آن برسد و گاه در امتداد یا کناره محوره‌های اصلی ساخته می‌شوند. تقریباً هیچ‌گونه زیباگرایی در سیمای شهرهای این دوره دیده نمی‌شود. ارسن شهری نائین از نمونه‌های شاخص این دوره است.

دوره دوم: زیباگرایی در سیمای شهری شروع می‌شود. تشخیص عناصر شهری در این دوره بیشتر مربوط به مسجد و گاه مسجد - مدرسه است. این تشخیص در سطح ابتدایی خود است و تزئینات عناصر ارسن شهری حداقل است. ارسن شهری اصفهان (در دوره رازی)، زواره (غفاری ۱۳۷۹، ۳۵) و اردستان از نمونه‌های این دوره هستند.

دوره سوم: مقارن با شیوه آذری در معماری و شهرسازی، زیباگرایی در سیمای شهر به اوج خود می‌رسد. این زیبایی‌گرایی در دو الگوی کلی خود را نمایان می‌سازد. یک الگوی مزار یا خانقاه محور و دیگری الگوی مسجد محور. الگوی مزار/

خانقاه محور را بیشتر در دوره ایلخانان شاهد هستیم و الگوی مسجد محور را در دوره تیموریان. هر دو گونه این الگوها تا دوره‌های بعد همچون دوره قاجار و حتی عصر حاضر دنبال شده‌اند. به عنوان نمونه شهر قم (رابطه حرم عبدالعظیم، مسجد جامع و مصالای جدید) و شهر قم (رابطه حرم حضرت معصومه (س)، مسجد بالاسر، مسجد اعظم و مصالای جدید). (آل احمد و شریعت زاده ۱۳۷۳، ۱۲۰۶ تا ۱۲۳۱)

شهر بسطام و شهر مشهد در شیوه آذری دو الگوی متضاد با هم را به نمایش گذاشته‌اند. در دوره‌های بعد نیز شهر ری (با الگوی مزار محور) و شهر قم (با الگوی مسجد محور) نیز نشانه‌هایی از این تضاد در الگوها هستند.

دوره چهارم: شاخص‌ترین نمونه‌های ارسن شهری این دوره در عصر صفوی به وجود آمده است. تعادل تشخیص در سیما و پلان ارسن شهرهای این دوره کاملاً مشهود است. در حقیقت این الگو تکامل دوره‌های پیشین و استفاده از منطقی جدید است. توجه به اهمیت، ضرورت و زیبایی شناسی در بناهای ارسن شهری از مواردی هستند که در این الگو مورد

ها و یا مسجد هاست^۷. تشخیص پلانی نیز به تدریج کامل می‌شود و از حالت ضرورت گرا به زیبایی‌گرایی در پلان تبدیل می‌شود. همچون میدان‌ها و ورودی‌های با مقیاس و زیبا. علاوه بر این، ایدئولوژی حاکمان وقت و سازندگان بناها نیز در تشخیص سیما و پلان ارسن شهر تأثیرگذار است. مدرسه، مزار یا مسجد که در این دوران تشخیص یافته‌اند را می‌توان از منظر جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار داد. از میان این سه مورد، مزار عامیانه‌تر از همه بوده و مخاطبین از همه سطوح معرفت با هدف رفع حوائج دنیایی به آن مراجعه می‌کنند. به همین جهت طبیعی می‌نماید که زیباگراترین و با تجمل‌ترین دوره، مربوط به دورهٔ مزارگرایی ایلخانی است.

در گونهٔ چهارمی که یاد شد نیازهای انسان در بالاترین سطوح خود قرار می‌گیرد. این دوره همزمان با استقرار دولت صفوی است. دولتی که با تکیه بر مذهب شیعه و مرمت امپراتوری کهن ایران، متمرکزترین حکومت ایرانی بعد از ساسانی را به وجود آورد (بدوان ۱۳۷۹، ۱۹۲). نظر به ثبات حکومت در این دوره و رشد اقتصادی و شرایط مناسب اجتماعی (به خصوص در زمان شاه عباس صفوی) توجه به نیازهای عالی (همچون زیباگرایی) و پاسخگویی به آن‌ها به شدت احساس می‌شود. باتوجه به ویژگی‌های دوره‌های پیشین، تشخیص عناصر در سیمای شهری این دوره به تعادل می‌رسد. بناهای مذهبی، سیاسی و تجاری هرکدام به اندازهٔ ضرورت یا اهمیت خود دارای تشخیص می‌شوند و در عین حال با یکدیگر به صورت مسالمت‌آمیز همزیستی می‌کنند. در این دوره تقابل در سیما و پلان شهر به حداقل می‌رسد. تشخیص پلانی علاوه بر این که همانند گذشته وجود دارد، محور کُشی‌ها، هندسه بندی‌ها و استقرار عناصر شهر در محورها نیز ظهور می‌کند و موجب تعادل در ارسن شهر می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی با توجه به سطح اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، میزان توجه و تشخیص و زیبایی‌شناسی شهری اهمیت یافته است. میزان تشخیص بناها چه در سیما و چه در پلان ارسن شهر در دوره‌های گذشته از تفکر و طرح خاصی پیروی می‌کرده است؛ این امری است که امروزه در طراحی شهری کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. می‌توان

توجه قرار گرفته‌اند. ارسن شهری اصفهان (در دورهٔ صفوی) و همچنین شهر مشهد (شهر صفوی) از نمونه‌های بارز این دوره به شمار می‌آیند.

۵- جمع بندی

انسان موجودی پیچیده است که نیازها و انگیزش‌های مادی، روحی و معنوی گوناگون و متفاوتی را دارا می‌باشد (مطلبی ۱۳۸۰، ۶۱). انگیزش، نیروی هدایت‌گر رفتار است و رفتارها در جهت ارضای نیازهای انسانی شکل می‌گیرد (لنگ ۱۳۸۶، ۹۶). روانشناسان دسته بندی‌ها و سلسله مراتب‌هایی برای نیازها قائل شده‌اند. نیازهای ردهٔ بالاتر زمانی ظاهر می‌شوند که نیازهای ردهٔ پایین‌تر تا حدودی برآورده شده باشند. در حقیقت نیازهای سطوح بالاتر بعدها در دوران‌های رشد تحولی نوع بشر پیدا شده‌اند و برآورده شدن آن‌ها پیش‌آمدگی و پیچیدگی‌های بیشتری را می‌طلبد. همچنین این امر مستلزم شرایط بیرونی (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) بهتر است (پاکزاد ۱۳۸۵، ۳۳). بنا بر این الگو، در دوره‌های آغازین پس از اسلام در ایران در ساخت بناها و عناصر شهری، تنها به نیازهای رده‌های پایین توجه می‌شد. بنابراین سیمای شهری دارای زیبایی خاصی نیست. در این دوره اگر تشخیص وجود دارد، بنا بر ضرورت است. از ضروری‌ترین نیازهایی که در آن دوره پاسخ‌گفته می‌شد، دسترسی آسان به عناصر اصلی و پرکارکرد شهر است که به همین دلیل تشخیص شهرهای این دوره، تشخیص در پلان شهر است.

سپس در دوره‌های بعدی کم‌کم باتوجه به رشد و بلوغ مردم و نیاز آن‌ها به ارضای نیازهای سطوح بالاتر، زیباگرایی در سیمای شهری آغاز شد تا علاوه بر پاسخگویی به نیازهای قبلی به این سطوح از نیازهای انسانی نیز پاسخ‌گفته شود. این دوره که از شیوهٔ رازی در معماری و شهرسازی آغاز می‌شود، با گذر زمان و ثبات هرچه بیشتر دولت‌ها و سلسله‌های حاکم بر ایران (هرچند که در این بین گاه نشیب‌هایی در حاکمیت وجود دارد ولی در نگاه کلی شاهد رشد اقتصادی و بهبود شرایط اجتماعی - سیاسی هستیم) به ارزش‌های زیباشناختی بیشتر توجه می‌کند. این زیباگرایی و تشخیص در سیمای شهری در شیوهٔ آذری به اوج خود می‌رسد. تشخیص در سیمای شهرهای این دوره بیشتر منحصر به مزارها و خانقاه

شهر، بناهای مذهبی هستند و در این میان براساس مخاطب شناسی باید به رده بندی تشخیص بناهای مذهبی پرداخت. البته این جایگاه، به سبب کارکرد اجتماعی - فرهنگی وسیع بناهای مذهبی در آن دوران است. با فرض چنین کارکردی برای بناهای مذهبی کنونی، رعایت سلسله مراتب در تشخیص و تعادل بین رده های مختلف این بناها، از دیگر مواردی است که باید مورد توجه طراحان قرار گیرد.

گفت یکی از دلایل اصلی آشفتگی و بی نظمی سیمای شهرها در دوره حاضر (که دغدغه بسیاری از متخصصین است) عدم توجه به میزان و چگونگی تشخیص عناصر شهر است. طراحان باید توجه داشته باشند که توان اقتصادی و قدرت و نفوذ در دستگاه های اجرایی تنها عامل تعیین تشخیص بنا نیست. آن چه از مطالعه گذشته تاکنون شهرها و میزان تشخیص بناها می توان نتیجه گرفت این است که عنصر اصلی مورد تشخیص در

پی نوشت

- این موارد توسط شولتز نیز مطرح شده است.
- واژه پرهیب برای مفهوم نیمرخ شهری یا سیلوئت (Silhouette) استفاده شده است.
- منار مسجد جام شهر نائین در دوره ایلخانان احداث شده است.
- صحن عتیق در دوره صفوی احداث می شود و دیگر صحن ها نیز در دوره های بعد.
- فرضیه های مختلفی در دلیل ظهور دو مسجد در رقابت با هم در یک ارسن شهری مطرح شده است. برخی آن دو را زنانه و مردانه می دانند، که هم به عنوان مدرسه و هم مسجد برای این دو گروه کارکرد داشته است. درخصوص مسجد ششیخ لطف ا...، فرضیه مزار یا خانقاه هم مهم و قابل اعتناست. وجود سرداب، تزئینات ظریف و زیبا، رنگ خاص گنبد، ذکر درون محراب و تمایز با مسجد امام در بسیاری جهات می تواند آن را تأیید کند. براساس مطالعات این پژوهش تفاوت در تشخیص این دو بنای مذهبی چه در موقعیت پلانی میدان و چه در سیما می تواند امکان رمز گشایی از مسجد شیخ لطف الله را فراهم آورد.
- مازلو سلسله مراتبی از نیازها را از ضروری ترین و قوی ترین تا نیازهای بالقوه و متعالی تر پیشنهاد کرده است. سلسله مراتب پیشنهادی او به این ترتیب است: نیازهای فیزیولوژیک و جسمانی، نیازهای ایمنی، نیازهای تعلق و دوست داشتن، نیاز به قدر و احترام، نیاز به خود شکوفایی و نیازهای زیباشناختی (Maslow 1995، ۱۲ تا ۱۷ و Lang 1994، ۲۱۲)
- مذهب و هنر در بیشتر فرهنگ ها با یکدیگر ارتباط دارند. در معماری، مذهب با توجه به نیازهای عبادی خویش آن را گسترش می دهد. در حقیقت با نگاه به هنرهای تجسمی می توان به تاریخ و گذشته آن مذهب پی برد. (Amaladass 2007، ۶۷)

منابع

- آل احمد، جلال و دیگران. ۱۳۷۳. *ادب و هنر امروز ایران*. مجموعه مقالات. تهران: نشر میترا و نشر همکلاسی.
- اعظم واقفی، سید حسین. ۱۳۷۴. *میراث فرهنگی نطنز*. آثار تاریخی، آداب و سنن و تاریخ نطنز. تهران: علمی و فرهنگی.
- بدوان. ۱۳۷۹. اصفهان در قرن هفدهم. اثر (۳۱-۳۲): ۱۹۰-۲۲۷.
- پاک باز، سامان. ۱۳۸۶. روند ایرانی شدن طرح مساجد در عصر سلجوقی، مطالعه موردی مسجد جامع اصفهان. *آبادی (۵۴)*: ۳۰-۳۵.
- پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۸۵. *مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری*. تهران: شهیدی.
- پریساراد، پانته آ. ۱۳۸۵. نقش زبان در ادراک فضا. *همایش بین المللی شهر برتر طرح برتر*. اولین دوره، سازمان عمران شهرداری همدان.
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۷ الف. *سبک شناسی معماری ایرانی*. تدوین: غلامحسین معاریان. تهران: سروش دانش.
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۷ ب. *معماری ایرانی*. تالیف و تدوین: غلامحسین معاریان. تهران: سروش دانش.
- حبیبی، سیدمحسن. ۱۳۹۰. *از شار تا شهر*. تحلیلی تاریخی از شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر. تهران: دانشگاه تهران.
- حمزه نژاد، مهدی، عبدالحمید نقره کار، و صبا خراسانی مقدم. ۱۳۹۲. *گونه شناسی مفهومی ورودی مساجد در ایران با استفاده از مفاهیم قدسی*. *پژوهش های معماری اسلامی (۱)*: ۷۷-۱۰۲.
- حمزه نژاد، مهدی و فرزاد زرین قلم. ۱۳۹۰. *الگویابی تشخیص عناصر مذهبی در شهرمزارهای ایران*. *آرمانشهر (۹)*: ۲۰۱-۲۱۶.
- رشیدی، صادق و محمد علی مخبری. ۱۳۹۰. *سیر تکوینی مؤلفه های زیبایی شناختی بناهای اسلامی: مطالعه موردی: مسجد جامع دمشق و قبه الصخره*. *شهر ایرانی اسلامی (۴)*: ۸۱-۸۸.
- رضوانی، علیرضا و مهدی آیتی. ۱۳۸۴. *در جست و جوی هویت شهری مشهد*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

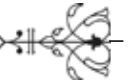


۱۴. رفیعی سرشکی، بیژن و دیگران. ۱۳۸۲. فرهنگ مهرازی (معماری) ایران. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۱۵. سلطانزاده. حسین. ۱۳۷۴. نائین. شهر هزاره های تاریخی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۶. سعادتجو، پریا، مهدی حمزه‌نژاد، و عبد الحمید نقره‌کار. ۱۳۹۲. تحلیلی بر سیر تحول مفاهیم و الگوی کالبدی مساجد در دوره های چهارگانه معماری ایرانی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی (۱۳): ۱۵ - ۳۰.
۱۷. غفاری، علی. ۱۳۷۹. زواره. نمادی از اسطوره کویر. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۸. فرای، ریچارد. ۱۳۴۴. بخارا دست آورد قرون وسطی. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۹. فلاح فر، سعیده. ۱۳۷۹. فرهنگ واژه های معماری سنتی ایران. تهران: چاپ کامیاب.
۲۰. قزلی، مهدی و محسن اسکندری. ۱۳۸۵. حقایق شیرین: گزارش عملکرد آستان قدس رضوی. توسعه و عمران حرم مطهر حضرت رضا (علیه السلام). مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۱. کیانی، محمدیوسف. ۱۳۷۴. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
۲۲. کیانی، محمد یوسف. ۱۳۸۷. معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
۲۳. لنگ، جان. ۱۳۸۶. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.
۲۴. مک اندرو، فرانسیس تی. ۱۳۸۷. روان شناسی محیطی. ترجمه غلامرضا محمودی. تهران: زرباف اصل.
۲۵. ملاصالحی، حکمت ا... ۱۳۷۸. زیبایی و هنر از منظر وحیانی اسلام. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۶. نقره کار، عبد الحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی اسلامی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۲۷. نوربرگ شولتز، کریستیان. ۱۳۸۷. مفهوم سکونت. به سوی معماری تمثیلی. ترجمه محمود امیر یاراحمدی. تهران: آگاه.
۲۸. مطلبی، قاسم. ۱۳۸۰. روان شناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. نشریه هنرهای زیبا (۱۰): ۵۲-۶۷.

References

1. Ale Ahmad, Jalal, and others. 1995. *Mitra & Ham- Kelasi*. Tehran.
2. Amaladass, Anand. 2007. Aesthetics and Religion from the Indian Perspective, *Aesthetics and philosophy of art (9)*: 67-82..
3. Azam Vaghefi, Seyed Hosein. 1996. *Natanz Cultural Heritage*. Historical works, traditions and customs of Natanz. Tehran: Elmi -va- Farhangi.
4. Berleant, Arnold. 2007. *Cultivating an Urban Aesthetics, The aesthetics of human environments*, Arnold Berleant, Allen Carlson, Broadview press. 79-91.
5. Brignoli, Jean-Do. 2007. *Princely Safavid Gardens: Stage for Rituals of Imperial Display and Political Legitimacy*, Middle East garden traditions: unity and diversity : questions, methods and resources in a multicultural perspective, Conan, Michel, Oaks, Dumbarton, Dumbarton Oaks. 113-138.
6. Budean. 2001. Isfahan in the seventeenth century. *Asar (31-32)*: 190-227.
7. Fallah Far, Saeedeh. 1998. *Traditional Iranian Dictionary*. Tehran: Chap-e Kamyab.
8. Frye, Richard. Bukhara: *the medieval Achievemem*. 1965.
9. Ghafari, Ali. 1998 *Zavare, A symbol of Desert Myth*. Tehran: Office of Cultural Research.
10. Ghezeli, Mahdi. And Mohsen Eskandari. 2005. *Sweet facts: Performance report of Astan Quds Razavi*. Development of the holy shrine of Imam Reza. Mashhad: Astan - e Quds-e Razavi.
11. Habibi, Seyed Mohsen. 2011. *Downhill to the city. Historical analysis of the city and its physical form*. thought and influence. Tehran: Tehran University.
12. Hamze Nejad, Mahdi, Abdolhamid Noghre kar And Saba Khorasani. 2013. Conceptual typology of entrance of mosques in Iran using sacred concepts. *Journal of Research in Islamic Architecture (1)*: 77- 102.
13. Hamze Nejad, Mahdi And farzad Zarin Ghalam. 2011. Modeling the identity of religious elements in the cities of Iran. *Armanshahr(9)*: 201-216.
14. Kiani, Mohammad Yusof. 1995. *Iranian Architecture*. of the Islamic Period. Tehran: Samt.
15. Kiani, Mohammad Yusof. 2008. *Iranian Architecture*. of the Islamic Period. Tehran: Samt.
16. Lang, Jon. 2007. *Creating architectural theory: the role of behavioral*. Translated by: Alireza Einifar. Tehran: Tehran University.
17. Lang, Jon. 1994. *Urban Design: The American Experience*, John Wiley and Sons
18. Maslow, Abraham H. 1995. *A theory of Human Motivation. Selected readings in naval leadership for NJROTC students*, Sundt, Wilbur A., Naval Institute Press, Edition 3, 12-21
19. Mc Andrew, Francis T. 2008. *Environmental psychology*. Translated by: Gholam Reza Mahmudi. Tehran: Zarbaf-e Asl.
20. Molla Salehi, Hekmatollah. (1996). *Beauty and art from the perspective of the revelation of Islam*. Tehran: Islamic Culture





Publishing Office.

21. Motalebi, Ghasem. 2001. environmental psychology; New knowledge in the service of architecture and urban design. *Honar-ha-ye-Ziba Memari-va-Shahrsazi (10)*: 59-67.
22. Noghrekar, Abdolhamid. (2008). *An Introduction to Islamic Identity in Islamic Architecture and Urbanism*. Tehran: Architectural and Urban Development Research Center, Ministry of Housing and Urban Development.
23. Norberg Schulz, Christian. *The Concept Of Dwelling*. On the way to Figurative Architecture 2008.
24. Pakbaz, Saman. 2008. The process of becoming an Iranian mosque in the Seljuk era. *Abadi (54)*: 30-35.
25. Pakzad, Jahanshah. 2007 *Theoretical Basis and Urban Design Process*. Tehran: shahidi.
26. Parisa Rad, Pantea 2007. *The role of language in the perception of space*. International Premier City Contemporary Design Conference. The first course, Hamedan Municipality Development Organization.
27. Pirnia, Mohammad Karim. 2009 *Stylistics of Iranian Architecture*. Tehran: sorush-e Danesh.
28. Pirnia, Mohammad Karim. 2009 *Iranain Architecture*. Tehran: sorush-e Danesh.
29. Porteous, John Douglas. 1996. *Environmental aesthetics: ideas, politics and planning*, Routledge.
30. Rafee Sereshki, Bijan. 2003. *Architecture culture*. Tehran: Building and Housing Research Center.
31. Rashidi, Sadegh, and Mohamad Ali Mokhberi. 2013. Developmental course of aesthetic components of Islamic monuments. Case Study: Damascus Mosque and ghobba- Al-Sakherah. *Journal of Studies on Iranian- Islamic City (4)*: 81-88.
32. Rezvani, Ali Reza, And Mehdi Ayati . 2005 *Searching for Mashad's urban identity*. Tehran: Architectural and Urban Development Research Center, Ministry of Housing and Urban Development.
33. Ruggles, D.Fairchild. 2008. *Islamic gardens and landscapes*, University of Pennsylvania Press.
34. Saadatjoo, Paria, Mahdi Hamzenezjad, Abdolhamid Noghrekar.(2013). An Analysis of the Evolution of the Concepts and Pattern of the Mosques in the Fourth Period of Iranian Architecture. *Journal of Studies on Iranian- Islamic City (13)*: 15-30.
35. Soltan Zadeh, Hosein 1993.. Naeen. *A Historic thousand-year-old city*. Tehran: Office of Cultural Research.
<http://www.panoramio.com>





**Recognition of urban elements in city centre hierarchy
in the urbanism methods of Islamic period of Iran**

Mahdi Hamzenejad*

Mostafa Seirafianpour **

Received: 13/05/2017

Accepted: 30/01/2019

Abstract

The recognition of main urban elements, specially the holy monuments, have had changed a lot in the image of the Islamic city since past to present. Façade, height and position of building are some of the ways of making recognition. In each period, some of the buildings with specific activities are recognized. Buildings which was mosque, bazaar, monastery, tomb, bath, reservoir, mounth, school or citadel, now is transformed to political, administrative, commercial or sometimes residential and religious one. It has root in the mind of the governors or the builder of the buildings that which one is more recognized. Among all of urban activities, the recognition of religious buildings is the most disputed one. The aim of this research is the typology of recognition of the main buildings of the city centre, specially the religious ones, in order to be beneficial for the contemporary urban design.

This research initially tries to distinguish different types of recognition of special elements in the image of city, with the phenomenological approach from theory to practice. Then it attempts to assess them with theoretical and cultural criteria.

According to the consequences, tWo types of encounter with the recognition of urban image can be distinguished. The first type is need – oriented and functionalist which follow emergence and recognition of buildings in plan, much more than image and dosent pay much attention to aesthetic preferences. This type of recognition was more common in the earlier periods of Islamic civilization (Khorasani Style) such as Naeen city centre. In the second type, the emphasis is on the aesthetic recognition of buildings, specially the religious ones. Cities which belong to this type, last two periods of conflicting identities. This evolution reached a balance between these orientations in the safavid period. This research tries to introduce the safavid period as a balanced tendency in consideration of proper recognition of each building and suggest the continuation of its patterns.

Keywords: City Centre, Recognition of building, tomb and monastery, mosque.

* hamzenejad@iust.ac.ir

** seirafianpour@shdu.ac.ir



Adjustment Mechanisms of Privacy in extroverted homes of Gilan (Case Study: Rural Homes)

Fatemeh Jabbaran*

Lecturer, Department of Civil and Architecture, Malayer University, Malayer, Iran.

Gholamreza Talischi **

Assistant Professor, Department of Arts and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Nima Deimary ***

Instructor, Department of Civil and Architecture, Malayer University, Malayer, Iran

Ali Dorri ****

Lecturer, Department of Civil and Architecture, Malayer University, Malayer, Iran.

Received: 02/11/2018

Accepted: 20/09/2018

Abstract

Privacy as a human need, is the result of adjustment of the interaction between human environment, which under the influence of current patterns of activity and cultural background, leads to a favorable atmosphere. Adjusting the privacy in Iranian homes is one of the fundamental features of Iranian architecture, which has had a profound effect on the formation of the spatial organization and the physical elements of traditional houses. However, the climatic and cultural diversity of the Iranian geographic region has caused different types of Iranian homes. The similar situation in the marginal cities of the Caspian Sea has caused the development of extroverted architecture. The extraterrestrial architecture of the rural homes of Gilan has provided a distinctly desirable privacy setting, in accordance with the requirements of Islamic belief and indigenous culture. In other words, the privacy setting in these homes is unique in terms of spatial structure and architectural elements and is different from introverted houses in the central regions of Iran. Architectural solutions to these types of homes in the provision of privacy have not yet been studied by researchers. For this reason, this paper outlines and describes the setting of privacy and its mechanisms, and looks at how to realize the desirable privacy in the works of the outsourcing architectural index in the rural homes of Gilan. The study first identified the spatial structure and architectural features of the selected buildings using library resources and field observations. Then, the researchers, through presence in the field of research, have focused on the evidence behind the behavior and reactions of the inhabitants, and tried to reveal the profound meanings of empirical data obtained from interviews and observations.

The findings of this research show that adjusting the privacy plays an important role in the formation of spatial structure and architectural elements of extroverted houses. The presence of trees and

* fatemeh.jabbaran68@gmail.com ** talischi@basu.ac.ir *** nima.deimary@gmail.com **** alidorri@yahoo.com

Managing Director: vice chancellor for
research-Iran University of Science and Technology

Editor-in-chief: Mohsen Feizi

Administrative Director:

Fatemeh Mehdizadeh Seraj

Administrative assistant:

AmirHosein Yousefi / Zahra Kashanidoost

Persian literary Editor:

Sara Motevalli

English literary editor: MohammadReza Attaee

Editorial Board Members:

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor,
Tehran University

Hasan Bolkhari: Associate Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor,

Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,

Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor,

Iran University of Science and Technology

Esmail Shieh: Professor, Iran University

of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Mohsen Faizi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Gholam Hossein Memariyan: Professor, Iran University

of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Professor, Iran University

of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Ali Yaran: Professor, Iran Ministry of Science,

Research and Technology

Design assistant: Eng AmirHosein Yousefi

Reviewers for Volume 6, Number 21:

Leila Pahlevan zadeh, Assistant Professor, Azad Islamic
University

Samaneh Taghdir: Assistant professor, Iran University of
Science and Technology

Bahareh Taghavinejad: Assistant Professor, Isfahan Art
University

Mahdi Khakzand: Assistant professor, Iran University of
Science and Technology

Mohammad Manan Raeesi: Assistant Professor, Qom
University

Reza Sameh: Assistant Professor, Imam Khomeini University

Azadeh Shahcheraqi, Assistant Professor, Azad Islamic
University

Hosein Safari, Assistant Professor, Azad Islamic University

Mozafar Abaszadeh: Assistant Professor, Orumieh University

Mohammad Reza Attaee, Assistant Professor, Azad Islamic
University

Mohammad Baqer Kabirsaber: Assistant professor, Tehran
University

Shahriar Nasekhian: Assistant Professor, Isfahan Art
University

Ahad Nejan Ebrahimi: Assistant professor, Tabriz Islamic Art
University

Abdolhamid Noqrehkar: Associate Assistant professor, Iran
University of Science and Technology

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University of
Science and Technology

Salahedin Molanaei: Assistant Professor, University of
Kurdistan

Behzad Vasiq: Assistant Professor
Jondy Shapoor University

Masoumeh Yaqubi, Assistant Professor, Azad Islamic
University





- **Analysis of Architectural Aesthetics Role in Iranian Houses, Case Study: Mashhad Historical Houses**
Sara Sadeghi / Ahmad Ekhlasi / Hamed Kamelnia
- **Drafting a Comprehensive Schema of Design Process The Conformability of Hermeneutic Design Methodology, with Epistemology Mechanism of Molla-Sadra's Transcend Theosophy System**
Ali Ravan / Saeid Alitajer
- **Research in The "Palace of The South" And "Middle Palace" In The Ceremonial Architecture Series of Lashkaribazar; Based On Historical Commentary, Literary Sources and Architectural Findings.**
Seyyed Rasool Mousavi Haji / Asadullah Joodkai Azizi / Sahar Abdolahi
- **A Revision of Geometric Training of Architects from Islamic View**
Mehdi Morrtahen / Masoud Narighomi
- **Recognition of urban elements in city centre hierarchy in the urbanism methods of Islamic period of Iran**
Mahdi Hamzenejad / Ali Seirafianpour
- **Adjustment Mechanisms of Privacy in extroverted homes of Gilan (Case Study: Rural Homes)**
Fatemeh Jabbaran / Gholamreza Talischi / Nima Deimary / Ali Dorri
- **The Impact of Parallel Aspects of Islam and Christianity on the Process of Converting Church to Mosque: During the Ottoman Era**
Maryam Akbari / Mohammadmehdi Moulai